

## بررسی تأثیر جنسیت کمیته حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام بر پایداری سود

حسین یآوری

گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.  
hsynyawry964@gmail.com

شماره ۸۸ / بهار ۱۴۰۳ (جلد اول) / صص ۳۳-۳۱۷  
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره هفتم)

### چکیده

فرآیند اندازه‌گیری سود و نتیجه آن، نقش مهمی در اداره شرکت داشته و همچنین اهمیت ویژه‌ای برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی دارد. از آنجا که محاسبه سود شرکت‌ها، متأثر از روش‌های برآوردی حسابداری بوده و تهیه صورت‌های مالی به عهده مدیریت واحد تجاری است، ممکن است بنا به دلایل مختلف که در فوق به آن اشاره شد، مدیریت اقدام به مدیریت سود نماید. بنابراین هدف این مطالعه تأثیر جنسیت کمیته حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام بر پایداری سود است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه مورد مطالعه، شامل ۱۵۲ شرکت پذیرفته شده طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ است. روش پژوهش توصیفی و از نظر ارتباط بین متغیرها علی-همبستگی است و از نظر هدف کاربردی و از لحاظ رویداد، پس‌رویدادی است. برای پردازش و آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیونی و داده‌های تابلویی و همچنین مدل اثرات ثابت استفاده شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش نشان داد که هزینه حقوق صاحبان سهام بر پایداری سود تأثیر منفی و معناداری دارد و جنسیت کمیته حسابرسی بر پایداری سود تأثیر منفی و معناداری دارد.

**واژگان کلیدی:** پایداری سود، جنسیت کمیته حسابرسی، هزینه حقوق صاحبان سهام.

### مقدمه

پایداری سود به معنای تکرارپذیری (استمرار) سود جاری است. هرچه پایداری سود بیشتر باشد، یعنی شرکت توان بیشتری برای حفظ سودهای جاری دارد و فرض می‌شود کیفیت سود شرکت بیشتر است. پایداری سود از جمله ویژگی‌های کیفیت سود مبتنی بر اطلاعات حسابداری است و شاخصی به‌شمار می‌رود که به سرمایه‌گذاران در ارزیابی سودهای آتی و جریان‌های نقدی شرکت کمک می‌کند. سرمایه‌گذاران در برآورد سودهای آتی و جریان‌های نقدی مورد انتظار خود به بخش پایدار سود بیشتر از بخش ناپایدار آن اهمیت می‌دهند (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). سود حسابداری یکی از عواملی است که به انعکاس بیشتر اطلاعات خاص شرکت‌ها در قیمت سهام کمک می‌کند و بسته به کیفیت خود، می‌تواند به سرمایه‌گذاران اطلاعات بیشتری درباره ارزش واقعی شرکت‌ها ارائه دهد؛ اما به دلیل مسئله جدایی مالکیت از مدیریت، ممکن است ارقام تعهدی ارائه شده در صورت سود و زیان دست‌کاری شود و قابلیت اتکای آن‌ها و به‌دنبال آن کیفیت سود، در نزد سرمایه‌گذاران مورد شک و تردید قرار گیرد. در همین رابطه، حساب‌رسان مستقل با بررسی صورت‌های مالی شرکت‌ها، به سرمایه‌گذاران اطمینان معقولی در خصوص کیفیت آن‌ها می‌دهند (ابراهیمی‌کردلر و سیدی، ۱۳۸۷).

هزینه حقوق صاحبان سهام عبارت است از حداقل نرخ بازدهی که با کسب آن ارزش واحد اقتصادی ثابت می‌ماند. هزینه حقوق صاحبان سهام از دو بعد دارای اهمیت است. بعد اول این است که تمامی مدل‌های ارزیابی اوراق بهادار متکی به هزینه سرمایه هستند. بعد دوم این است که سرمایه‌گذاری وجوه توسط شرکت، تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری، تعیین ساختار بهینه سرمایه و ارزیابی عملکرد بهینه واحدها بدون مشخص بودن هزینه سرمایه عملی نخواهد بود (حجازی، ۱۳۸۵). بنابراین به جرأت می‌توان گفت کلیه تصمیم‌های سرمایه‌گذاری در یک شرکت تحت تأثیر هزینه سرمایه آن شرکت است که این امر خود گویای میزان اهمیت موضوع می‌باشد.

از دیدگاه تئوری نمایندگی، تفاوت‌های جنسیت ممکن است پویایی گروه کوچک را که منجر به تشکیل اکثریت و اقلیت در گروه می‌شود از بین ببرد و اثربخشی کمیته حسابرسی را کاهش دهد (سولتانا و همکاران، ۲۰۱۵). در مقابل؛ مخالفان تئوری نمایندگی معتقدند که تنوع جنسیتی در ترکیب کمیته حسابرسی و حضور افراد با تجربه و دارای دیدگاه‌های مختلف، می‌تواند کمیته حسابرسی را در مجموعه وسیعی از موضوع‌های حسابداری کمک کند و از این رو منجر به کاهش گزارشگری متقلبانانه گردد (گول و همکاران، ۲۰۱۱). پارکر و همکاران (۲۰۱۷) استدلال می‌کنند که اعضای زن در کمیته حسابرسی کنترل‌های داخلی را منتقدانه و کامل‌تر از هم‌تایان مرد ارزیابی می‌کنند. به‌علاوه از آنجا که اعضای زن ریسک‌گریزترند (تتیرووادی و هوآنگ، ۲۰۱۱)، ناظران بهتری بوده (آدامز و فریرا، ۲۰۰۹)، و در مقابل رفتارهای فرصت‌طلبانه تحمل کمتری دارند، منطقی است که انتظار رود شرکت‌های دارای اعضای خانم در هیئت مدیره‌ها و زیر گروه‌های آن مانند کمیته حسابرسی تمایل به وجود کنترل‌های داخلی اثربخش در شرکت‌ها داشته باشند. وجود کمیته‌ی حسابرسی در ساختار راهبری شرکتی، به‌عنوان یک سازوکار کنترلی جهت همسو کردن منافع مدیران و ذی‌نفعان از طریق نظارت و کنترل تشکیل می‌شود که در سال‌های اخیر در ایران الزامی شده است. مطابق با تئوری جنسیت، زنان سهم قابل توجهی در افزایش عملکرد شرکت و نظارت بر مدیریت دارند. کمیته‌های حسابرسی دارای اعضای زن بیشتر از سایرین مایل به بحث و بررسی تبعات و اصلاح‌های لازم برای کنترل داخلی و گزارشگری مالی هستند و این امر موجب تقویت میزان نظارت و کنترل داخلی شرکت خواهد شد به بیان دیگر زنان دارای نظارت بهتر، ریسک‌گریز و محافظه‌کارتر هستند که نتیجه آن کاهش هزینه سرمایه توسط مدیران است و با کاهش هزینه سرمایه میزان پایداری سود بیشتر خواهد شد. بنابراین این پژوهش به این موضوع پرداخته شده است که تا چه اندازه جنسیت کمیته حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام بر پایداری سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر گذار است؟

## مبانی نظری پژوهش

### پایداری سود

پایداری سود به معنای تکرارپذیری (استمرار) سود جاری است. هرچه پایداری سود بیشتر باشد، شرکت توان بیشتری برای حفظ سودهای جاری داشته و فرض می‌شود کیفیت سود شرکت نیز بالاتر باشد. کیفیت سود، مفهومی با جنبه‌های متفاوت است به همین دلیل، تعاریف مختلف و معیارهای اندازه‌گیری متفاوتی در رابطه با آن مطرح می‌شود. روساین (۱۹۹۹)، سودی را باکیفیت‌تر می‌داند که پایدارتر باشد. از دید ریچاردسون و همکاران (۲۰۰۱) کیفیت سود، درجه ثبات عملکرد عایدات در دوره آینده است. به اعتقاد مک نیچالس (۲۰۰۲)، سودی با کیفیت است که سطح ارقام تعهدی آن پایین‌تر باشد. جونز (۱۹۹۱) تفاوت سود و وجوه‌نقد حاصل از عملیات را به‌عنوان ارقام تعهدی تعریف می‌کند. در واقع، ارقام تعهدی به اقلامی گفته می‌شود که موجب به تعوق افتادن ثبت درآمدها و هزینه‌ها می‌شوند و یا می‌توان ارقام تعهدی را به‌عنوان انتقال‌دهنده وجه نقد به زمان دیگر معرفی کرد؛ به این معنا که پرداخت‌ها و دریافت‌های وجه نقد، به

درستی در ارقام تعهدی ثبت شده مندرج است و این موضوع موجب می شود این ارقام، واقعیت های اقتصادی شرکت را بهتر نمایش دهند.

پایداری سود از جمله ویژگی های کیفی سود حسابداری به شمار می آید که بر اطلاعات حسابداری مبتنی بوده و سرمایه گذاران را در ارزیابی سودها و جریان های آتی نقدی شرکت یاری می دهد. اما باید توجه داشت که محاسبه سود خالص واحد انتفاعی متأثر از روش ها و برآوردهای حسابداری است. اختیار عمل مدیران در استفاده از اصول تحقق و تطابق، برآورد و پیش بینی و همچنین اعمال روش هایی نظیر تغییر روش ارزیابی موجودی کالا، استهلاک سرقفلی، هزینه های جاری یا سرمایه ای، تلقی کردن هزینه های تحقیق و توسعه و تعیین هزینه مطالبات مشکوک الوصول، از جمله مواردی است که مدیران از طریق اعمال آن ها می توانند سود را تغییر دهند. از یک سو، به دلیل آگاهی بیشتر مدیران از وضعیت شرکت، انتظار می رود اطلاعات به گونه ای تهیه و ارائه شود که وضعیت شرکت را به بهترین نحو منعکس کند، از سوی دیگر، بنا بر دلایلی همچون ابقا در شرکت، دریافت پاداش مدیریت واحد انتفاعی خواسته یا ناخواسته ممکن است با دست کاری سود، وضعیت شرکت را مطلوب جلوه دهد. در چنین شرایطی، سود واقعی با سود گزارش شده در صورت های مالی مغایرت داشته و رویدادی با عنوان مدیریت سود رخ داده است (مجتهدزاده و احمدی، ۱۳۹۰).

### هزینه حقوق صاحبان سهام

روش های حسابداری می بایست به گونه ای درست و مناسب رویدادهای حسابداری را اندازه گیری کنند. حقوق صاحبان سهام در ادبیات حسابداری به طرق متفاوتی تعریف و تئوریزه شده است، به گونه ای که هر کدام از تعاریف رویکردهایی را ارائه می کنند که امکان دارد مبانی اندازه گیری و میزان اهمیت ارقام مورد اندازه گیری در شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. به طور کلی ۵ نظریه عمده در زمینه حقوق صاحبان سهام وجود دارد که بشرح زیر ارائه می شود (درخشی، ۱۳۹۱).

### نظریه مالکیت

این نظریه در اوایل قرن هیجده میلادی مطرح بوده و فرض می نماید که مالکان و شرکت از هم دیگر جدا نیستند. بر همین اساس مالکان بنگاه اقتصادی در مرکزیت قرار دارند و اندازه گیری سود قابل تقسیم میان آن ها به جای تعلق سود و سرمایه مشروعیت دارد. در این نظریه، دارائی ها متعلق به مالکان و بدهی ها جزء تعهدات آن هاست و سود حاصل شده موجب افزایش خالص دارائی ها (یا خالص حقوق صاحبان سهام) می شود. اصول بکارگیری نظریه مالکیت با اندازه گیری اجزای سودی که امروزه براساس سیستم بهای تمام شده تاریخی انجام می شود هماهنگی دارد، اگر چه صاحبان سرمایه آن طوری که نظریه مالکانه پیشنهاد می کند به حساب های حقوق صاحبان سهام کنترل ندارند (کردستانی و مجد، ۱۳۸۶). برخی از نظریه پردازان این تئوری، سود قابل توزیع میان سهامداران را بسیار با اهمیت تلقی می کنند در حالی که برخی دیگر، ثروت را که توسط ترازنامه ارائه می شود با اهمیت تر از مفهوم سود می دانند، به نظر گروه اخیر، تعدیل ارقام بر مبنای قدرت خرید (سطح عمومی قیمت ها) یا ارزش های جاری، جزء لاینفک نظریه مالکانه است. به طور خلاصه، معادله حسابداری این نظریه عبارتست از:

رابطه (۱):

حقوق صاحبان سرمایه = مجموع بدهی ها - مجموع دارائی ها

## نظریه شخصیت حسابداری

در این نظریه شخصیت واحد انتفاعی و صاحبان آن از یکدیگر متمایز و تفکیک شده‌اند و واحد انتفاعی موجودیتی مستقل و هویتی متمایز از مالک یا مالکان آن دارد. دارائی‌ها متعلق به واحد انتفاعی است، طلبکاران و صاحبان سرمایه نیز سرمایه‌گذاران در این دارائی‌ها هستند که حقوق و ادعاهای متفاوتی نسبت به آن دارد (نوروش، ۱۳۸۸).

براساس این نظریه، حقوق صاحبان سهام و ادعای اولیه نسبت به سود واحد انتفاعی ماهیتی دوگانه دارد. سهامداران حقوقی نسبت به دریافت سود سهام در صورت تصویب، حق رأی در مجامع عمومی شرکت و تسهیم خالص دارائی‌ها پس از تسویه تمامی ادعاها دارند، اما حساب‌های حقوق صاحبان سهام معرف حقوق مالکانه سهامداران نیست بلکه ادعای آن‌ها را به‌عنوان سهامداران منعکس می‌کند. همچنین سود واحد انتفاعی به سهامداران تعلق ندارد، اگر چه مبلغ آن، پس از تأمین سایر ادعاها، به بستانکار حقوق صاحبان سهام منظور می‌شود، سود واحد انتفاعی قبل از تصویب سود سهام، به تأمین‌کنندگان سرمایه تعلق ندارد بنابراین، بهره و سود سهام هیچ‌یک از سود کم نمی‌شود. چنانچه از نظریه شخصیت حسابداری استنتاج منطقی به عمل آید (تئوری تعدیل شده شخصیت حسابداری) علی‌رغم وجود ادعای سهامداران، حساب حقوق صاحبان سرمایه متعلق به شرکت است. علاوه بر این، سود نیز به واحد انتفاعی تعلق دارد بنابراین بهره و سود سهام هر دو از سود کسر می‌شود (قائمی و وطن‌پرست، ۱۳۸۴).

براساس این نظریه می‌توان چنین تلقی نمود که حقوق شرکت مترادف با سود انباشته بوده که سود پرداخت نشده دوره از آن کم می‌شود. معادله ترازنامه در این نظریه به شرح زیر است:

رابطه (۲):

$$\text{مجموع دارایی‌ها} = \text{حقوق صاحبان سهام} + \text{بدهی‌ها}$$

## نظریه مازاد حقوق صاحبان سهام

این نظریه تغییری نسبت به دو نظریه یادشده است. در این نظریه دارندگان حقوق مازاد کسانی هستند که حقوق آنان در آخرین اولویت از میان تمام ادعاهای موجود نسبت به واحد انتفاعی قرار دارد. این گروه متشکل از سهامداران عادی است که اعضای آن می‌تواند در رویدادهای مختلف تغییر کند. فرض بنیادی این نظریه آنست که دلیل پذیرش مخاطره توسط دارندگان حقوق مازاد می‌بایست اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری‌ها در اختیار این گروه قرار داده شود (مجتهدزاده، ۱۳۹۱). معادله ترازنامه این نظریه به شرح زیر است:

رابطه (۳):

$$\text{(سایر حقوق شخص مثل بدهی‌ها و حقوق سهامداران ممتاز)} - \text{مجموع دارائی‌ها} = \text{حقوق مازاد}$$

در این نظریه نیز دارایی‌ها متعلق به واحد انتفاعی است که در اختیار مدیریت قرار گرفته است و هدف مدیریت به حداکثر رساندن ارزش حقوق مازاد است. سود نیز پس از تسویه تمام ادعاهای دیگر به دارندگان حقوق مازاد تعلق می‌گیرد. براساس این نظریه، بهره و سود سهام ممتاز نیز باید در محاسبه سود واحد انتفاعی ملحوظ شوند (احمدپور و عجم، ۱۳۸۹).

## نظریه وجوه

در این نظریه وجوه به معنای گروهی از دارائی‌ها و محدودیت‌هایی است که بر دارائی‌ها تحمیل می‌شود بدین گونه که این گروه ممکن است امکان ایجاد سود را داشته یا نداشته باشد. محدودیت‌های اعمال شده بر دارائی‌ها می‌تواند به دلیل بدهی‌ها یا وجوه سرمایه‌اهدایی باشد. براساس این نظریه، وجوه سرمایه‌گذاری شده باید بدون تغییر باقی بماند مگر

این که اختیار خاصی برای تصفیه کلی یا جزئی اعطا شده باشد محدودیت‌ها همچنین شامل مقاصد معین برای بکارگیری دارایی‌ها (به موجب قانون یا قرارداد) نیز می‌باشد (عثمانی، ۱۳۸۱). معادله ترازنامه در این نظریه به شرح زیر است:  
رابطه (۴):

مجموع دارایی‌ها = مجموع محدودیت‌های اعمال شده بر دارایی‌ها

### نظریه معادل مدیریت

براساس این نظریه، مدیریت برای انجام وظایف برنامه‌ریزی و کنترل، به نمایندگی از طرف صاحبان سرمایه به اطلاعات نیازمند است. اگرچه این نظریه بیشتر به حسابداری مدیریت مربوط است اما مدیریت در ایفای وظیفه مباشرت خود ناگزیر باید دیدگاه‌های خود را به سرمایه‌گذاران منتقل کند. نظریه مدیریت به جای حل مسائل حسابداری مالی می‌تواند موضوع‌های بحث‌انگیز جدیدی را ارائه نماید. به طور مثال نظریه نمایندگی ده سال پس از نظریه معادل مدیریت تدوین و ارائه شده است. علاوه بر این استفاده سرمایه‌گذاران از صورت‌های مالی، در نظریه مدیریت تا حدودی مبهم گذاشته شده است (بال و براون، ۲۰۰۶).

### جنسیت کمیته حسابرسی

تئوری جنسیت به این موضوع می‌پردازد که زنان سهم قابل توجهی در موفقیت‌های اقتصادی دارند که شامل کارهای با ارزشی بوده و به رفاه و آسایش انسان‌ها کمک می‌نماید (وارینگ، ۱۹۸۸). علاوه بر این، نظریه اقتصاد فمینیستی ادعاهای متعصبانه در برابر مردان را مطرح می‌کند و استدلال می‌نماید که زنان تمایل بیشتری نسبت به قضاوت اخلاقی دارند (نلسون، ۱۹۹۰). بدون شک اخلاق زنان متفاوت از مردان است، برای تبیین این تفاوت می‌توان به تئوری جامعه‌پذیری جنسیت داوسون (۱۹۹۷) اشاره کرد. بر این اساس، زنان و مردان در معرض توسعه‌های اخلاقی متفاوت، تمایل به بروز ارزش‌های متفاوتی دارند، که آن هم منجر به نگرش و رفتارهای گوناگون می‌شود. برای مثال، مردان ارزش را به پول، پیشرفت و قدرت نسبت می‌دهند و موقعیت‌های رقابتی را بیشتر دنبال می‌کنند، در حالی که زنان بیشتر به روابط اجتماعی توجه دارند و علاقه‌مندند تا وظایف محوله را مؤثرتر انجامش دهند و با احتمال بیشتری قوانین را پیروی می‌کنند (گیگر و کانل، ۱۹۹۹).

علاوه بر این در مقایسه با هیئت‌هایی که تمام مدیران آن مرد هستند، زن‌ها می‌توانند دیدگاه‌های مختلفی را در هیئت مدیره مطرح کنند و تصمیمات آگاهانه‌تری را بگیرند و منجر به افزایش شفافیت در سطح هیئت مدیره شوند (رز، ۲۰۰۷). مطالعات قبلی نیز نشان دادند که مدیران زن سبک‌های تصمیم‌گیری متفاوت (بیلیموریا، ۲۰۰۰). و دیدگاه‌های مختلفی را دارند و اطلاعات مشتلف و بیشتری را در مقایسه با مردها نیاز دارند. آن‌ها همچنین می‌توانند ژرفای بحث‌های هیئت‌مدیره را با به چالش کشیدن فعالیت‌ها و سیاست‌های سنتی ارتقا دهند (سریندی و همکاران، ۲۰۱۱). در واقع هیئت‌مدیره‌های با تنوع جنسیتی در ارتباط با توصیه‌های ایمن، قانون‌گذاری‌ها، ارتباطات اثربخش، تعهدات و منابع برای شرکت بستر از هیئت مدیره‌های بدون تنوع جنسیتی عمل می‌کنند (هیلمن و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین زنان در تصمیم‌گیری‌های مالی، ریسک‌پذیری و بیش‌اطمینانی کمتر و محافظه‌کاری بیشتری دارند (بکمن و منخوف، ۲۰۰۸). در ضمن اکثر مطالعات حاکی از رابطه مستقیم بین جنسیت و قضاوت‌های اخلاقی است و رفتارهای اخلاقی در زنان بیشتر از مردان است. بر اساس یافته‌های عباس‌زاده و معینی‌زاده، (۱۳۹۳)، درک اخلاقی زنان بیشتر از مردان است. همچنین شاخص‌های اخلاقی رابطه منفی با حقوق مردان داشته، ولی درباره زنان چنین رابطه‌ای برقرار نیست. با این حال فروغی و همکاران (۱۳۹۳) بین جنسیت و قضاوت‌های اخلاقی رابطه معناداری نمی‌یابند.

براساس نظریه دیگرگزینی، زنان به علت ویژگی‌های اخلاقی متفاوت، بیش از خودشان، منافع دیگران را در اولویت قرار می‌دهند. تردیدی وجود ندارد که انسان‌ها در پی منافع خود هستند. باور عمومی بر این است که هر انسانی به‌طور طبیعی، منافع خود را مقدم بر منافع دیگری می‌داند. خودخواهی به ثروت‌اندوزی، بالابردن رتبه علمی و در نهایت، اعتبار انسان منتهی می‌شود و در مجموع، قدرت فرد را افزایش می‌دهد. فرد می‌خواهد بیشترین نفع و شادی را کسب کند و رنج و ضرر را هر چه بیشتر از خویش دور کند. متفکران و روان‌شناسان در خودگزین بودن انسان هم عقیده‌اند، یعنی انسان به‌طور غریزی و ناخودآگاه، نفع خود را دنبال می‌کند؛ اما برخی از متفکران اخلاقی همچون تامس نیگل، آیریس مرداک، پیتر سینگر و البته اغلب قدما و حکمای دینی، معتقدند که انسان می‌تواند در عین خودخواهی، دیگرگزینی هم باشد. دیگرگزینی زمانی بیشترین کاربرد را دارد که انسان‌ها خودخواه و خودگزين هم باشند. برای مثال، کسی که در زندگی درآمد زیادی کسب می‌کند و به ثروت و قدرت می‌رسد، توان و امکان بیشتر و گوناگونی برای کمک به دیگران دارد (ژو و همکاران، ۲۰۱۸). وجود نوعی رفتار نوع‌دوستانه که در آن فرد با هزینه خود به فرد دیگری سود می‌رساند، برای اندیشمندان جالب است و بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی، زیست‌شناسی و اقتصاد آن را بررسی کرده‌اند.

### پیشینه پژوهش

زواری رضایی و الهامی (۱۴۰۲)، در پژوهشی به بررسی الگوی ارتباط پایداری سودها و عملکرد مالی با اثر میانجی محافظه‌کاری حسابرسی پرداختند و نتایج نشان می‌دهد که بین پایداری سود و محافظ کاری حسابرسی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. بین محافظ کاری حسابداری و عملکرد مالی رابطه مستقیم و در نهایت محافظه‌کاری حسابرسی توانسته است رابطه بین پایداری سود و عملکرد مالی را میانجی کند.

گرامی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی عدم اطمینان جریان وجه‌نقد و کیفیت اقلام تعهدی با هزینه حقوق صاحبان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداختند و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فرضیه اول «کیفیت اقلام تعهدی با هزینه حقوق صاحبان سهام دارای رابطه مثبت و معناداری است. همچنین فرضیه دوم عدم اطمینان جریان وجه‌نقد با هزینه حقوق صاحبان سهام دارای رابطه منفی و معناداری است.

اسدیان و نوری استسفانی (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی تأثیر سرمایه فکری بر پایداری سود با تأکید بر نقش ارزش افزوده اقتصادی پرداختند و نتیجه حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش مشخص نمود که سرمایه فکری و ارزش افزوده اقتصادی بر پایداری سود تاثیر مثبت و معنادار دارد. همچنین نتایج حاکی از این است که ارزش افزوده اقتصادی بر ارتباط بین سرمایه فکری و پایداری سود تاثیر ندارد.

گرامی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی عدم اطمینان جریان وجه‌نقد و کیفیت اقلام تعهدی با هزینه حقوق صاحبان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداختند و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فرضیه اول «کیفیت اقلام تعهدی با هزینه حقوق صاحبان سهام دارای رابطه مثبت و معناداری است. همچنین فرضیه دوم عدم اطمینان جریان وجه‌نقد با هزینه حقوق صاحبان سهام دارای رابطه منفی و معناداری است.

اسکو و توغدری (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی تأثیر کنترل‌های داخلی بر پایداری سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این موضوع است که کنترل‌های داخلی بر پایداری سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معناداری وجود دارد.

بولو و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری بر هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت‌ها با توجه به نقش عدم تقارن اطلاعاتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی پرداختند و نتایج تجزیه و تحلیل‌ها حاکی از آن است که کیفیت اطلاعات حسابداری بر هزینه حقوق صاحبان سهام تاثیر معکوس دارد؛ به نحوی که هرچه کیفیت

اطلاعات حسابداری بالاتر باشد، هزینه حقوق صاحبان سهام کاهش می‌یابد؛ وبالعکس. هم چنین، عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط مستقیمی با این تأثیر دارد. اما تأثیر همزمان قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و عدم تقارن اطلاعاتی بر تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری بر هزینه حقوق صاحبان سهام مورد تأیید نمی‌باشند.

هاشمی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر استقلال حسابرس بر رابطه بین چرخش مؤسسه حسابرسی و پایداری سود پرداختند و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بین چرخش حسابرس در سطح مؤسسه حسابرسی و پایداری سود رابطه معناداری وجود ندارد؛ اما استقلال حسابرس بر رابطه بین چرخش حسابرس در سطح مؤسسه حسابرسی و پایداری سود تأثیر معنادار و مثبتی دارد.

چن و ژانگ (۲۰۲۱)، در پژوهشی به بررسی اینکه سطح مسئولیت اجتماعی شرکت چگونه بر هزینه حقوق صاحبان سهام از طریق ریسک عملیاتی تأثیر می‌گذارد، می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان داد که عملکرد سطح مسئولیت اجتماعی با هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه منفی دارد. عملکرد سطح مسئولیت اجتماعی با ریسک عملیاتی رابطه منفی دارد. ریسک عملیاتی یک متغیر واسطه‌ای بین عملکرد سطح مسئولیت اجتماعی و هزینه حقوق صاحبان سهام است و اثر واسطه‌ای بین ریسک‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت متفاوت است.

باتاچاریا و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی به بررسی ارتباط میان کیفیت سود، عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام را بررسی کردند و به شواهد قابل اتکایی از ارتباط مستقیم میان عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام و ارتباط معکوس میان کیفیت سود، هزینه حقوق صاحبان سهام از یک طرف و کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی از طرف دیگر دست یافتند.

هوگس و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین مفهوم هزینه حقوق صاحبان سهام و بازده مورد انتظار پرداختند. آن‌ها نشان دادند که مفهوم هزینه حقوق صاحبان سهام با بازده مورد انتظار تفاوت داشته و به‌طور متوسط بین بازده مورد انتظار و جریان وجوه نقد، رشد جریان وجوه نقد و اهرم مالی همبستگی وجود دارد. نتایج حاکی از وجود رابطه بین هزینه حقوق صاحبان سهام و میزان صرف ریسک بازار، رابطه بین هزینه سرمایه، رشد، اهرم مالی و ریسک، پیش‌بینی بازده آتی و خصوصیات محیط اطلاعاتی شرکت‌ها بود.

## فرضیه پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش و همچنین به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش، فرضیه‌های ذیل ارائه می‌گردد.

فرضیه اول: هزینه حقوق صاحبان سهام بر پایداری سود تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: جنسیت کمیته حسابرسی بر پایداری سود تأثیر معناداری دارد.

## الگوی پژوهش

الگوی پژوهش از نوع رگرسیون چندمتغیره است. بنابراین، مدل زیر برای انجام آزمون فرضیه‌ها انتخاب شده است:  
معادله (۱):

$$\varepsilon_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \text{Earn}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{CS}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it}$$

از مدل زیر برای انجام آزمون فرضیه دوم استفاده شده است:

معادله (۲):

$$\text{Earn}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Gender}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در معادله‌های فوق به ترتیب:

$CS_{it}$ : شاخص هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$Gender$ : شاخص جنسیت کمیته حسابرسی شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$Earn_{it}$ : شاخص پایداری سود شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$SIZE_{it}$ : اندازه شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$LEV_{it}$ : اهرم مالی شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

تعریف متغیرها به صورت عملیاتی به شرح جدول (۱) زیر است:

جدول (۱): نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نوع متغیر	نحوه اندازه‌گیری
جنسیت کمیته حسابرسی	مستقل	یک متغیر دو ارزشی صفر و یک است و چنانچه حداقل یک زن در کمیته حسابرسی وجود داشته باشد یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود.
هزینه حقوق صاحبان	مستقل	$K_e = D_t/P_0 + g$
پایداری سود	وابسته	$\text{Earning}_{t+1} = \beta_0 + \beta_1 \text{Earning}_t + \epsilon$
اندازه شرکت	کنترلی	$\text{Ln}$ (تعداد سهام $\times$ قیمت سهام)
اهرم مالی	کنترلی	نسبت کل بدهی به کل دارایی‌ها

## روش شناسی پژوهش

با توجه به این که داده‌ها مربوط به اطلاعات شرکت‌های واقعی بوده و نتایج آن می‌تواند راه‌گشای تصمیم‌های فعالان بازار سرمایه قرار گیرد از این رو پژوهش کاربردی محسوب می‌گردد. از طرف دیگر به دلیل این که رابطه علی و معلولی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، لذا از لحاظ انجام، علی پس از وقوع است. از لحاظ نحوه اجرا توصیفی و از لحاظ ارتباط بین متغیرها از نوع همبستگی است. و از نوع جمع‌آوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های کمی و از لحاظ زمان اجرا گذشته‌نگر و همچنین منطق اجرا استقرایی می‌باشد. مقیاس اندازه‌گیری داده‌های جمع‌آوری شده، مقیاس نسبی است. مقیاس نسبی دارای کلیه ویژگی‌های مقیاس‌های فاصله‌ای، ترتیبی و اسمی است. مقیاس نسبی، دقیق‌ترین مقیاس اندازه‌گیری است. این مقیاس دارای ارزش صفر حقیقی می‌باشد. یعنی نقطه‌ای در مقیاس که نمایانگر فقدان کامل ویژگی مورد اندازه‌گیری است.

جامعه پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ که بالغ بر ۷۱۹ شرکت است، در نظر گرفته شده است. در این پژوهش از حذف سیستماتیک جهت انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است.

با توجه به محدودیت‌ها ۱۴۰ شرکت به عنوان نمونه‌ی پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند.

به‌طور کلی اطلاعات و داده‌های این پژوهش با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای و اسناد سازمانی گردآوری شده است.

## یافته‌های پژوهش

توصیف اطلاعات گردآوری شده یکی از فرآیندهای پژوهش در بخش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش است که گزارش آنها در پژوهش، مهم است. داده‌های پژوهش با استفاده از منابع اطلاعاتی دست دوم گردآوری و دسته‌بندی شده است. توصیف اطلاعات و داده‌های آماری با توجه به مقیاس‌های اندازه‌گیری انتخاب می‌گردد. بنابراین در این بخش در مورد



ویژگی‌های نمونه آماری و شاخص‌های مربوط به صورت‌های مالی اعضای نمونه آماری بحث و بررسی صورت گرفته است که در ادامه به آنها در دو بخش جداگانه پرداخته شده است. به‌طور کلی، روش‌هایی را که به‌وسیله آنها می‌توان اطلاعات جمع‌آوری شده را پردازش کرده و خلاصه نمود، آمار توصیفی می‌نامند. لازم به ذکر است که پس از حذف داده‌های پرت و مرتب‌سازی داده‌ها، تعداد شرکت-سال‌های متغیرهای پژوهش با اندکی کاهش مواجه شده است.

جدول (۲): شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرهای پژوهش	نماد	تعداد سال-شرکت	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
جنسیت کمیته حسابرسی	Gender	۷۶۰	۰/۱۷۵	۰/۱۶۲	۰/۲۰۳	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
هزینه حقوق صاحبان	CS	۷۶۰	۰/۴۳۷	۰/۴۱۳	۰/۱۳۷	۰/۵۹۹	۰/۰۷۴
پایداری سود	Earn	۷۶۰	۰/۲۵۹	۰/۲۴۷	۰/۱۹۹	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۷۶۰	۱۱/۴۳	۱۱/۳۲	۱/۷۴۹	۱۳/۰۹	۸/۱۴۶
اهرم مالی	LEV	۷۶۰	۰/۲۱۹	۰/۲۰۱	۰/۱۵۲	۰/۶۴۱	۰/۰۰۴

در مطالعه حاضر روش برآورد مدل براساس داده‌های تابلویی است. این روش تلفیقی از اطلاعات سری زمانی (۱۳۹۷-۱۴۰۱) و داده‌های مقطعی ۱۵۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار) می‌باشد. تمامی ارقام محاسبه شده برای هر یک از متغیرهای مدل بر حسب میلیون ریال می‌باشد. برنامه‌ی نرم‌افزاری مورد استفاده در این پژوهش، برنامه نرم‌افزاری ایویوز می‌باشد. مدل‌های برآورد شده با توجه به فرضیه‌های ارائه شده به صورت مدل رگرسیون چندمتغیره ارائه شده‌اند.

### تعیین نوع آزمون و روش تجزیه و تحلیل

برای تعیین روش به کارگیری داده‌های ترکیبی و تشخیص همگن یا ناهمگن بودن آنها از آزمون چاو و آماره F لیمر استفاده شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون چاو، جهت تشخیص همگن یا ناهمگن بودن مقاطع

آزمون مدل	F	احتمال آماره F	نتیجه آزمون
مدل اول	۱۱/۹۷۵	۰/۰۰۰۰	$H_0$ رد می‌شود.
مدل دوم	۱۴/۰۵۴	۰/۰۰۰۰	$H_0$ رد می‌شود.

همان‌گونه که در جدول (۳)، دیده می‌شود، نتیجه آزمون چاو، نشان می‌دهد که احتمال به‌دست آمده برای آماره F در مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد است، بنابراین برای آزمون این مدل، داده‌ها به‌صورت تابلویی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

### آزمون هاسمن

در این آزمون از آماره چای دو با K درجه آزادی استفاده می‌شود اگر چای دو بدست آمده از مقدار جدول بیشتر بود، فرضیه  $H_0$  مبنی بر تصادفی بودن رد می‌شود و فرضیه آثار ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن، جهت تشخیص استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی

آزمون مدل	مقدار آماره	احتمال آماره	نتیجه آزمون
مدل اول	۳۱/۸۳۰	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت
مدل دوم	۲۹/۰۰۸	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت

در این آزمون  $H_0$  بر مدل پانل دیتا با اثرات تصادفی و فرضیه مقابل بر مدل پانل دیتا با اثرات ثابت دلالت دارد. اگر آماره آزمون هاسمن بزرگ‌تر از مقادیر بحرانی‌اش و یا آماره احتمال آن (prob) کوچک‌تر از ۵ درصد باشد  $H_0$  رد و استفاده از

مدل اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. طبق نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای مدل اول و دوم پژوهش، با توجه به اینکه در ازاء خطای ۵ درصد میزان آماره هاسمن برای مدل اول (۳۱/۸۳۰) و مدل دوم (۲۹/۰۰۸) شده است و از طرفی میزان سطح معناداری کمتر از ۵ درصد شده است، لذا  $H_0$  رد می‌شود. رد  $H_0$  نشان می‌دهد که روش اثرات تصادفی ناسازگار می‌باشد و بایستی از روش اثرات ثابت استفاده شود.

### فرضیه پژوهش

هزینه حقوق صاحبان سهام بر پایداری سود تأثیر معناداری دارد.  
مدل رگرسیونی برای فرضیه به شرح زیر است:

$$\text{Earn}_t = \beta_0 + \beta_1 \text{CS}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \varepsilon_{it}$$

نتایج حاصل از آزمون به شرح جدول (۵) زیر می‌باشد:

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob.
مقدار ثابت	C	۰/۳۷۴	۰/۱۸۰	۲/۰۷۱	۰/۰۰۰۱
هزینه حقوق صاحبان سهام	$\beta_1$ (CS)	-۰/۵۶۰	۰/۱۹۵	-۲/۸۷۲	۰/۰۰۱۰
اندازه شرکت	$\beta_2$ (SIZE)	۰/۱۳۶	۰/۰۴۸	۲/۷۸۵	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	$\beta_3$ (LEV)	-۰/۱۵۳	۰/۰۴۹	-۳/۰۹۵	۰/۰۰۶۱
آماره F		۱۳/۴۶۳			
سطح معناداری (Prob.)		(۰/۰۰۰)			
آماره دوربین واتسون		۱/۹۶۵			
ضریب تعیین ( $R^2$ )		۰/۷۱۱			
ضریب تعیین تعدیل شده ( $\text{Adj}R^2$ )		۰/۶۹۸			

با توجه به نتایج آزمون مدل اول پژوهش، سطح معنی‌داری آماره F (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطا بوده و کل مدل رگرسیونی معنی‌دار است. آماره دوربین واتسون (۱/۹۶۵) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب  $\beta_1$  نتایج آزمون نشان می‌دهد هزینه حقوق صاحبان سهام با پایداری سود رابطه منفی و معناداری دارد. بنابراین  $H_0$  پژوهش را می‌توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب  $\beta_2$  نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اندازه شرکت با پایداری سود رابطه مثبت و معناداری دارد و سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب  $\beta_3$  نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اهرم مالی با پایداری سود رابطه منفی و معناداری دارد. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون توانسته‌اند ۶۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

### آزمون فرضیه دوم

از مدل دوم برای آزمون فرضیه دوم به شرح زیر استفاده می‌گردد:  
جنسیت کمیته حسابرسی بر پایداری سود تأثیر معناداری دارد.  
مدل رگرسیونی برای فرضیه دوم به شرح زیر است:

$$\text{Earn}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Gender}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \varepsilon_{it}$$

نتایج حاصل از آزمون به شرح جدول (۶) زیر می باشد:

جدول (۶): نتایج آزمون فرضیه دوم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob.
مقدار ثابت	C	-۰/۴۶۲	۰/۱۵۱	۳/۰۴۸	۰/۰۰۰۰
جنسیت کمیته حسابرسی	$\beta_1$ (Gender)	۰/۶۹۵	۰/۱۶۳	۴/۲۶۴	۰/۰۰۱۳
اندازه شرکت	$\beta_2$ (SIZE)	-۰/۱۴۳	۰/۰۴۸	۲/۹۶۱	۰/۰۰۶۷
اهرم مالی	$\beta_3$ (LEV)	۰/۲۰۸	۰/۱۱۱	۱/۸۶۴	۰/۰۲۹۴
آماره F		۱۱/۵۳۰			
سطح معناداری (Prob.)		(۰/۰۰۰)			
آماره دوربین واتسون		۱/۸۱۰			
ضریب تعیین (R2)		۰/۵۸۰			
ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR2)		۰/۵۶۴			

با توجه به نتایج آزمون مدل دوم پژوهش، سطح معنی داری آماره F (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطا بوده و کل مدل رگرسیونی معنی دار است. آماره دوربین واتسون (۲/۱۰۳) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب  $\beta_1$  نتایج آزمون نشان می دهد جنسیت کمیته حسابرسی بر پایداری سود تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابراین  $H_0$  پژوهش را می توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب  $\beta_2$  نتایج آزمون نشان می دهد متغیر کنترلی اندازه شرکت با پایداری سود رابطه مثبت و معناداری دارد و سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب  $\beta_3$  نتایج آزمون نشان می دهد متغیر کنترلی اهرم مالی با پایداری سود رابطه منفی و معناداری دارد. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون توانسته اند ۸۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

### نتیجه گیری کلی

هدف پژوهش حاضر، مطالعه تأثیر جنسیت کمیته حسابرسی بر رابطه بین هزینه حقوق صاحبان سهام و پایداری سود شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال های ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱ است. داده های پژوهش با استفاده از روش رگرسیون و روش اثرات ثابت بررسی شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش نشان داد که هزینه حقوق صاحبان سهام بر پایداری سود تأثیر منفی و معناداری دارد. در تبیین این نتیجه می توان بیان نمود که هزینه حقوق صاحبان سهام عبارت است از حداقل نرخ بازدهی که با کسب آن ارزش واحد اقتصادی ثابت می ماند. هزینه حقوق صاحبان سهام از دو بعد دارای اهمیت است. بعد اول این است که تمامی مدل های ارزیابی اوراق بهادار متکی به هزینه سرمایه هستند. بعد دوم این است که سرمایه گذاری وجوه توسط شرکت، تعیین اولویت های سرمایه گذاری، تعیین ساختار بهینه سرمایه و ارزیابی عملکرد بهینه واحدها بدون مشخص بودن هزینه سرمایه عملی نخواهد بود بنابراین به جرأت می توان گفت کلیه تصمیم های سرمایه گذاری در یک شرکت تحت تأثیر هزینه سرمایه آن شرکت است که این امر خود گویای میزان اهمیت موضوع می باشد. به عبارتی با افزایش هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت ها برای تأمین منابع مالی سود بیشتری را برای تأمین منابع مالی پرداخت نمایند و این مسأله هم به طور معکوس بر میزان پایداری سود شرکت ها تأثیر گذار است.

جنسیت کمیته حسابرسی بر پایداری سود تأثیر مثبت و معناداری دارد. در تفسیر این نتیجه باید بیان نمود که در مقابل رفتارهای فرصت طلبانه تحمل کمتری دارند، منطقی است که انتظار رود شرکت‌های دارای اعضای خانم در هیئت مدیره‌ها و زیر گروه‌های آن مانند کمیته حسابرسی تمایل به وجود کنترل‌های داخلی اثربخش در شرکت‌ها داشته باشند. وجود کمیته حسابرسی در ساختار راهبری شرکتی، به‌عنوان یک سازوکار کنترلی جهت همسو کردن منافع مدیران و ذینفعان از طریق نظارت و کنترل تشکیل می‌شود که در سال‌های اخیر در ایران الزامی شده است. مطابق با تئوری جنسیت، زنان سهم قابل توجهی در افزایش عملکرد شرکت و نظارت بر مدیریت دارند. کمیته‌های حسابرسی دارای اعضای زن بیشتر از سایرین مایل به بحث و بررسی تبعات و اصلاح‌های لازم برای کنترل داخلی و گزارشگری مالی هستند و این امر موجب تقویت میزان نظارت و کنترل داخلی شرکت خواهد شد به بیان دیگر زنان دارای نظارت بهتر، ریسک‌گریز و محافظه‌کارتر هستند که نتیجه آن کاهش هزینه سرمایه توسط مدیران است و با کاهش هزینه سرمایه میزان پایداری سود بیشتر خواهد شد.

## منابع

- ✓ ابراهیمی کردلر، علی، سیدی، سیدعزیز، (۱۳۸۷)، نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۴، صص ۱-۲۰.
- ✓ احمدپور، احمد، (۱۳۹۰)، رابطه بین معیارهای ریسک و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۴۶، صص ۳۷-۶۰.
- ✓ احمدپور، احمد، عجم، مریم، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی، فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۱۰۷-۱۲۴.
- ✓ احمدی، آمنه، (۱۳۹۷)، رابطه بین مدیریت سود و خوانایی گزارش سالانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، دانشکده علوم اجتماعی.
- ✓ اسدی، چهاربرج، محمد، دهدار، فرهاد، (۱۴۰۰)، بررسی ارتباط بین پایداری سود و واکنش بازار سهام در شرکت‌های تولیدی بورس اوراق بهادار تهران، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، دوره ۲، شماره ۵۳، صص ۱۹۵-۱۸۶.
- ✓ اسماعیلی، شاهپور، (۱۳۸۶)، کیفیت سود، مجله حسابداری، شماره ۱۸۴.
- ✓ اسکو، وحید، توغدری، دنیا، (۱۴۰۰)، تأثیر کنترل‌های داخلی بر پایداری سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش‌های نوین در مدیریت و حسابداری، دوره ۱۰، شماره ۸۳، صص ۴۲۲-۴۳۶.
- ✓ اشرف‌زاده، سیدحمیدرضا، مهرگان، نادر، (۱۳۸۷)، اقتصادسنجی پانل دیتا، انتشارات دانشگاه تهران.
- ✓ اعتمادی، حسین، (۱۳۸۲)، تأثیر دیدگاه اخلاقی مدیران مالی بر کیفیت گزارش‌های مالی شرکت‌ها، نشریه اخلاق در علوم رفتاری.
- ✓ اعتمادی، حسین، ابراهیمی میمند، مهدی، (۱۳۹۱)، پیش‌بینی هزینه حقوق صاحبان سهام با استفاده از تحلیل خوشه ای، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۰، شماره ۳۳، صص ۹۷-۱۱۸.
- ✓ اقدامی، الهام، بنی‌مهد، بهمن، (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر استراتژی رهبری و تمایز محصول بر هزینه حقوق صاحبان سهام، مجله حسابداری مدیریت، دوره ۱۲، شماره ۴۳، صص ۱۵۳-۱۶۵.
- ✓ بنی‌مهد، بهمن، یعقوب‌نژاد، احمد، وحیدی‌کیا، الهام، (۱۳۹۵)، بررسی توان رقابتی محصول و هزینه حقوق صاحبان سهام، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره هفتم، شماره ۲۶، صص ۱۰۷-۱۱۸.

- ✓ بولو، قاسم، (۱۳۸۶)، بررسی نسبت‌های مالی و هزینه سهام عادی، مجله پیشرفت‌های حسابداری، دانشگاه شیراز، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱-۲۶.
- ✓ بولو، قاسم، مرفوع، محمد، قهرمانی، آرین، (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری بر هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت‌ها با توجه به نقش عدم تقارن اطلاعاتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۷، شماره ۶۸، صص ۳۳-۶۵.
- ✓ پرنده، عالی، (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین رقابت در بازار محصول و هزینه حقوق صاحبان سهام: نقش میانجی‌گری قدرت حاکمیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد شاهرود.
- ✓ پناهیان، محمد، باقرزاده، سعید، (۱۳۸۷)، تبیین الگوی ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات مالی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۱-۱۷.
- ✓ تالانه، عبدالرضا، (۱۳۸۶)، بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی، سود تقسیمی و سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۶، شماره ۴۵، صص ۱۲۱-۱۳۸.
- ✓ تجویدی، غلامرضا، (۱۳۸۴)، رده‌شناسی متن، سطح دشواری متن و ترجمه: رهیافتی برای انتخاب متون ترجمه، مطالعات ترجمه، شماره ۱۲.
- ✓ تهرانی، رضا، نوربخش، ناصر، (۱۳۹۱)، مدیریت مالی، انتشارات نگاه دانش، تهران.
- ✓ ثقفی، علی، رحمانی، علی، معتمدی فاضل، مجید، (۱۳۸۹)، هزینه حقوق صاحبان سهام و متغیرهای حسابداری محرک ریسک. مجله دانش حسابداری، سال ۱، شماره ۲، صص ۹-۳۲.
- ✓ ثقفی، علی، مرادی، محسن، سهرابی، حسینعلی، (۱۳۹۳)، رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرایط نااطمینانی محیطی، مجله دانش حسابداری، دوره پنجم، شماره ۱۷، صص ۸۹-۹۸.
- ✓ جهانخانی، علی، پارسائیان، علی، (۱۳۸۹)، مدیریت مالی، انتشارات سمت.
- ✓ حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت.
- ✓ حجازی، رضوان، (۱۳۸۵)، بررسی عوامل مؤثر بر هزینه سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
- ✓ حقانی‌نسب، عباس‌علی، تهرانی، رضا، نیکبخت، محمدرضا، (۱۳۷۸)، بررسی نرخ هزینه سرمایه شرکت‌ها و نقش اجزای تشکیل دهنده آن در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اداری.
- ✓ خاکی، منصور، (۱۳۸۷)، روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی، انتشارات بازتاب، تهران.
- ✓ Aker, A. (2002). Richard G. Brody and Kurt Pany Audit Firm Rotation & Audit Quality, journal of CPA.
- ✓ Bae, K. (2008). International GAAP differences: the impact on foreign analysts, Accounting Review, 83, 593-628.
- ✓ Ball, R. & Brown, P. (2006). An empirical evaluation of accounting income numbers. Journal of accounting research, 6, PP: 159-178.
- ✓ Barnett A, Leoffler K. (1979). Readability of accounting and auditing messages. Journal of Business and Technical Communication. 1979;16(3):49-59.
- ✓ Bhattacharya. N. , Ecker, F. , Per. M. Olsson and K. Schipper. (2018). Direct and mediated associations among earnings quality, information asymmetry, and the cost of equity. Accounting Review, 87 (2) , 449-482 .
- ✓ Blanco, B., and Dhole, S. (2017). Financial Statement Comparability, Readability and Accounting Fraud. AFAANZ Conference, Working Paper,

[https://www.afaanz.org/openconf/2017/modules/request.php?module=oc\\_progra](https://www.afaanz.org/openconf/2017/modules/request.php?module=oc_progra) &  
action=summary.php&id=4

- ✓ Brigham, S. & Earhart. G. (2010). Product Market Competition, Managerial Incentives, and Firm Valuation". working paper, Lucerne University of Applied Sciences.
- ✓ Chan, K., Chan, L., Jegadeesh, N. & Lakonishok, J. (2013). Earnings quality and Stock Returns, Journal of business, forthcoming.
- ✓ Chall JS, & Dale E. (1995). Readability revisited, the new dale-chall readability formula. 1st ed. Cambridge: Brookline Books; 1995.
- ✓ Chen, Bo. & Zhang, Aojie. (2021). How does corporate social responsibility affect the cost of equity capital through operating risk? Borsa Istanbul Review Available online 26 January 2021.
- ✓ Dreyer LG. (1984). Readability and responsibility. Journal of Reading. 1984;27(4):334-338.
- ✓ Fakhfakh, Mondher. (2015). The readability of international illustration of auditor's report: An advanced reflection on the compromise between normative principles and linguistic requirements. Journal of Economics", Finance and Administrative Science, 20.
- ✓ FASB (Financial Accounting Standards Board). (2010). Statement of Financial Accounting Concepts No. 8. Conceptua Framework for Financial Reporting, Chapter 1, the Objective of General Purpose Financial Reporting, and Chapter 3, Qualitative Characteristics of Useful Financial Information, Norwalk, CT: FASB.
- ✓ Faster, Oliver. (1986). Corporate governance: Sometheory and implications. The Economic Journal, 105, 430 (May): 678-689.
- ✓ Francis J. (2003). Are examination of the persistence of accruals and cash flows. Journal of Accounting and Economics; 43: 416-451.
- ✓ Francis, J., LaFond, R. & Olsson, P. M. (2004). Cost of Equity and Earnings Attributes. Accounting Review, 79 (4): 967-1010.
- ✓ Ghiser A. & Ljungberg, H. (2003). Ownership structure, corporate governance and dividend performance on the Ghana Stock Exchange" , journal of Applied Accounting Research, Vol. 12 No.1, pp.61-73.
- ✓ Hassan, Mostafa Kamal, Abu Abbas, Bassam, Nathan Garas, Samy. (2019). Readability, governance and performance: a test of the obfuscation hypothesis in Qatari listed firms", Corporate Governance: The International Journal of Business in Society. Vol. 19, PP. 270-298.